

کتاب دانیال - شمارهٔ چهل و هشت

پرده برداری از نبوت: اهمیت رویای حبقوق، دو لوح و راز روزانه در تفسیر کتاب مقدس

Jeff Pippenger

2024-01-12

افزایش معرفتی که در رؤیای نهر اولای نشان داده شده است، همان چیزی است که در نهایت بر دو لوح حبقوق نوشته شد.

همراه با پیشگویی‌هایی که به گمان آنان مربوط به زمان ظهور دوم بود، تعالیمی نیز درهم تنیده بود که به طور ویژه با وضعیت تردید و اضطرابشان سازگار شده بود و آنان را ترغیب می‌کرد با صبر و ایمان انتظار بکشند، با این باور که آنچه اکنون برای فهمشان مبهم است، در وقت مقرر روشن خواهد شد.

در میان این نبوت‌ها، نبوت حبقوق ۱:۲۱-۲۴ نیز بود: 'بر نگهبانی خود خواهم ایستاد و بر برج جای خواهم گرفت، و می‌نگرم که او با من چه خواهد گفت و من چون توبیخ شوم چه پاسخ دهم. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را به روشنی بر لوح‌ها بنگار تا هر که آن را می‌خواند بدود. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ هرچند دیر کند، در انتظارش باش، زیرا بی‌گمان خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. اینک، آن که جانش سربرافراشته است، در او راستی نیست؛ اما عادل به ایمان خود زیست خواهد کرد.'

به همان اوایل سال ۱۸۴۲، دستور آمده در این نبوت که «رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکار ساز تا هر که آن را می‌خواند بدود»، چارلز فیچ را بر آن داشت تا برای تبیین رؤیاهای دانیال و مکاشفه، نموداری نبوتی تهیه کند. انتشار این نمودار تحقق فرمان داده شده به وسیلهٔ حبقوق تلقی شد. با این حال، در آن زمان هیچ‌کس متوجه نشد که در همان نبوت به تعویقی ظاهری در تحقق رؤیا—زمان درنگ—اشاره شده است. پس از آن ناکامی، این آیه بسیار معنادار به نظر آمد: «زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ هرچند درنگ کند، برای آن انتظار بکش، زیرا بی‌گمان خواهد آمد، درنگ نخواهد کرد... اما عادل به ایمان خود زندگی خواهد کرد.» نبرد عظیم، ۳۹۱، ۳۹۲.

دو لوح حبقوق از نظر نبوی دو شاهد به شمار می‌آیند. بر اساس کتاب مقدس، دو شاهد باید گرد هم آورده شوند تا حقیقت اثبات شود.

اما اگر به تو گوش ندهد، پس یک یا دو نفر دیگر را نیز با خود ببر تا به شهادت دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت شود. متی ۱۸:۱۶

وقتی دو لوح حبقوق (نمودارهای پیشگام ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰) بر هم منطبق می‌شوند، حقایقی را که جواهر رؤیای میلر بودند تأیید می‌کنند. خطای سال ۱۸۴۳، که بر لوح نخست نشان داده شده است، هنگامی که با لوح دوم منطبق می‌شود، زمان تأخیر رؤیا را تثبیت می‌کند. میلر (دیدهبان نمادین آن تاریخ) پرسید که در جریان مجادله تاریخش چه باید بگوید.

بر نگهبانی خود خواهم ایستاد، و بر برج جای خواهم گرفت، و مراقب خواهم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون مؤاخذه شوم چه پاسخ خواهم داد. حبقوق ۱:۲

خداوند به میلر دستور داد رؤیا را بنویسد، و او در خواب، صندوقچه‌ای را که آن رؤیا را در خود داشت، روی میزی در وسط اتاقش گذاشت.

و خداوند به من پاسخ داد و گفت: رویا را بنویس و آن را بر لوح‌ها آشکارا ساز تا هر که آن را می‌خواند بتواند بدود. حبقوق ۲:۳

سپس جداول زمان درنگ و نخستین ناامیدی را مشخص می‌کنند.

زیرا این رؤیا هنوز برای زمانی مقرر است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه دیر کند، منتظرش باش، زیرا بی‌گمان خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. حبقوق ۲:۳.

سپس فرایند آزمون سه مرحله‌ای که ناشی از افزایش دانش (جواهرات میلر) است، ارائه می‌شود.

اینک، جان او که متکبر است، در او راستی نیست؛ اما عادل به ایمان خود زنده خواهد ماند. حبقوق ۲:۴.

دو گروه پرستندگان از طریق فرایند آزمون باب دوازدهم دانیال آشکار خواهند شد.

و گفت: برو به راه خود، ای دانیال؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده‌اند. بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند گردید و آزموده خواهند شد؛ اما شیران بدکاری خواهند کرد، و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ اما دانیان خواهند فهمید. دانیال ۱۲: ۹، ۱۰.

دانیان دانیال همان باکره‌های دانای متی باب بیست‌وپنج هستند که به واسطه ایمان عادل شمرده شدند و شیران همان باکره‌های نادان بودند که در تکبر برکشیده شده بودند. در پایان رؤیای میلر، جواهرات نمایانگر روغن در مثل ده باکره‌اند که همان پیام بود.

وقتی پیام‌هایی را که او برای ما می‌فرستد دریافت نمی‌کنیم، خدا بی‌حرمت می‌شود. از این رو روغن زربنی را که می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به آنان که در تاریکی‌اند منتقل شود، رد می‌کنیم. هنگامی که ندا دررسد: «اینک داماد می‌آید؛ برای استقبال او بیرون بروید»، آنان که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند و فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، خواهند دریافت که مانند دوشیزگان نادان برای ملاقات با خداوند خود آماده نیستند. آنان در خود توان به‌دست‌آوردن آن روغن را ندارند و زندگی‌شان تباه می‌شود. ریویو اند هرالد، ۲۰ ژوئیه ۱۸۹۷.

نور جواهرات میلر در روزهای آخر ده برابر درخشان‌تر خواهد تابید، و هم عدد ده و هم نور نماد یک آزمون هستند. در روزهای آخر، که در پایان رؤیای میلر به تصویر کشیده شده‌اند، نور حقیقتی که بر لوح‌های حبقوق نشان داده شده است، پیامی آزمونگر پدید می‌آورد که در مثل ده باکره به‌عنوان پیام فریاد نیمه‌شب نشان داده می‌شود. آن فرایند آزمون، تکرار فرایند آزمون در تاریخ جنبش میلری است، زیرا مثل ده باکره در روزهای آخر حرف‌به‌حرف تکرار می‌شود.

"اغلب توجه من به مثل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مثل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

ده نماد آزمون است، و در پایان ده روز، دانیال و آن سه نیک‌مرد از نظر ظاهر سالم‌تر و فربه‌تر از کسانی بودند که خوراک بابل را می‌خوردند. متکبران معرفی‌شده در حبقوق، که نه به ایمان بلکه بر خودرایی می‌زیستند، خصلت بابل را در خود پروراندند. در تاریخ میلری آنان دختران بابل شدند، و در حبقوق این ویژگی‌های نبوی دستگاه پاپ است که برای شناسایی منش کسانی به کار می‌رود که

برگزیدند به ایمان زندگی نکنند.

اینک، جان او که برافراشته شده، در او راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود زنده خواهد بود. بلی، نیز چون به سبب شراب تعدی می‌کند، مردی مغرور است و در خانه آرام نمی‌گیرد؛ میل خود را چون دوزخ می‌گستراند و همچون مرگ است و سیر نمی‌شود، بلکه همه ملت‌ها را نزد خود گرد می‌آورد و همه قوم‌ها را برای خود انباشته می‌کند. آیا همه اینان بر ضد او مثلی بر نمی‌گیرند و ضرب‌المثلی طعنه‌آمیز بر او نخواهند گفت که: وای بر او که آنچه از آن او نیست می‌افزاید! تا به کی؟ و بر آن که خود را با گل غلیظ بار می‌کند! آیا ناگهان بر نمی‌خیزند آنان که تو را خواهند گزید، و بیدار نمی‌شوند آنان که تو را به تنگ خواهند آورد، و تو برای ایشان غنیمت خواهی شد؟ زیرا تو ملت‌های بسیار را غارت کرده‌ای، پس تمامی بازماندگان قوم‌ها تو را غارت خواهند کرد؛ به سبب خون آدمیان و برای ظلم بر زمین و بر شهر و بر همه ساکنان آن. حقوق 4:2-8.

فرآیند آزمونی که بر باکره‌های متی باب بیست‌وپنج جاری می‌شود، گروهی از پرستندگان پدید می‌آورد که منش پادشاه شمال (پاپیت) را در خود پرورده‌اند؛ همان قدرتی که "بسیاری از ملت‌ها را تاراج کرد". این همان قدرت پاپی است که ناگهان گاز گرفته می‌شود، چنان‌که ایزابل را سگ‌ها خوردند.

خداوند چنین می‌فرماید: اینک قومی از سرزمین شمال می‌آید، و امتی عظیم از کناره‌های زمین برانگیخته خواهد شد. کمان و نیزه را به دست خواهند گرفت؛ بی‌رحمند و رحم ندارند؛ فریادشان چون غرش دریاست؛ و بر اسبان سوار می‌شوند، برای جنگ بر ضد تو، ای دختر صهیون، صف بسته‌اند. خیر آن را شنیده‌ایم؛ دست‌های ما سست شده‌اند؛ اندوه بر ما چیره شده، و دردی، همچون درد زن زایمان‌کننده، بر ماست. به کشتزار بیرون مرو و در راه مگذر؛ زیرا شمشیر دشمن و هراس از هر سوست. ای دختر قوم من، پلاس بپوش و در خاکستر بغلت؛ ماتم بگیر، چنان‌که برای پسر یگانه، با تلخ‌ترین نوحه‌گری؛ زیرا تاراجگر ناگهان بر ما خواهد آمد. ارمیا ۲۲:۶-۲۶.

حقوق از دو گروه سخن می‌گوید: کسانی که به وسیله ایمان عادل شمرده می‌شوند، و کسانی که تعالیم بابل را خورده و نوشیده‌اند. آنان که در روزهای آخر رؤیای میلر به‌عنوان باکره‌ها تصویر شده‌اند، یا شخصیت مسیح را در خود پرورش می‌دهند و بدین‌سان مهر خدا را دریافت می‌کنند، یا خصلت پاپیت را در خود می‌پروراندند و نشان وحش را دریافت می‌کنند.

زمان آن فرا رسیده است که نور حقیقی در میان تاریکی اخلاقی بتابد. پیام فرشته سوم به جهان فرستاده شده است تا به مردم هشدار دهد که نشان وحش یا نشان تمثال او را بر پیشانی‌ها یا دست‌هایشان نپذیرند. پذیرفتن این نشان یعنی به همان تصمیمی برسند که وحش گرفته است و همان اندیشه‌ها را ترویج کنند، در مخالفتی مستقیم با کلام خدا. خدا درباره هر که این نشان را بپذیرد می‌گوید: «او از شراب خشم خدا خواهد نوشید، شرابی که بی‌اختلاط در جام غضب او ریخته شده است؛ و او در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره، با آتش و گوگرد معذب خواهد شد.» ریویو اند هرالد، ۱۳ ژوئیه ۱۸۹۷.

دوشیزگانی که شراب بابل را می‌نوشند، سرانجام شراب خشم خدا را خواهند نوشید. در اشعیا، مستان افرایم مستی کورانه خود را با وارونه‌کردن امور آشکار می‌کنند و آن عمل به منزله «گل کوزه‌گر» به‌شمار می‌آید.

شناسایی «روزانه» به‌عنوان نمادی از مسیح، حقیقت «روزانه» را وارونه می‌کند، زیرا «روزانه» نمادی شیطانی است. شناسایی میلر از «روزانه» به‌عنوان بت‌پرستی، مستقیماً بر لوح‌های حقوق نمایان است. کشف میلر درباره آن بخش در تسالونیکیان، که به او امکان داد بفهمد آنچه «از میان برداشته شد» بت‌پرستی بود تا «مرد گناه» که در هیکل خدا می‌نشیند آشکار شود، حقیقت اصلی مندرج در تسالونیکیان دوم، باب دوم است.

من به خواندن ادامه دادم و نتوانستم مورد دیگری بیابم که در آن «هرروزه» یافت شود، جز در دانیال. سپس [به یاری یک فهرست‌واژه] آن کلماتی را که با آن پیوند داشتند برداشتم: «برداشتن»؛ «او آن هرروزه را برخواهد داشت»؛ «از زمانی که آن هرروزه برداشته شود»، و غیره. به خواندن ادامه دادم و پنداشتم که نوری بر این متن نخواهم یافت؛ سرانجام به دوم تسالونیکیان ۷:۲، ۸ رسیدم: «زیرا راز بی‌قانونی هم‌اکنون در کار است؛ فقط آن که اکنون مانع می‌شود، مانع خواهد شد تا وقتی که از سر راه برداشته شود، و آنگاه آن شریر مکشوف خواهد شد»، و غیره. و چون به آن متن رسیدم، آه، حقیقت چه روشن و پرچال آشکار شد! همان است! این همان «هرروزه» است! خب، اکنون پولس از «آن که اکنون مانع می‌شود»، یا بازدارنده، چه منظوری دارد؟ منظور از «مرد گناه» و «آن شریر»، پاپیسم است. خب، چه چیزی مانع می‌شود که پاپیسم مکشوف شود؟ البته بت‌پرستی است؛ پس «هرروزه» باید به معنای بت‌پرستی باشد. — ویلیام میلر، راهنمای ظهور دوم، صفحه ۶۶. ۶، Advent Review and Sabbath Herald، ژانویه ۱۸۵۳.

معنای "daily" در تسالونیکیان، که میلر آن را کشف کرد، حقیقت اساسی این فراز است. هنگامی که پولس کسانی را که حقیقت را دوست ندارند و از این رو گرفتار گمراهی شدید خواهند شد مشخص می‌کند، او بی‌تردید به نفرت از حقیقت به معنای کلی اشاره دارد؛ اما حقیقتی که به طور مستقیم در این فراز به آن ارجاع داده می‌شود این است که "daily" نمایانگر روم بت‌پرست است.

نور بدن چشم است: پس اگر چشمت سالم باشد، تمام بدن تو پر از نور خواهد بود. اما اگر چشمت ناسالم باشد، تمام بدن تو پر از تاریکی خواهد بود. پس اگر نوری که در توست تاریکی باشد، آن تاریکی چه عظیم است! هیچ‌کس نمی‌تواند دو ارباب را خدمت کند؛ زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و دیگری را دوست خواهد داشت، یا به یکی وفادار خواهد بود و دیگری را خوار خواهد شمرد. شما نمی‌توانید خدا و ثروت را خدمت کنید. متی ۶:۲۴ تا ۲۴.

تنها یا محبت به حقیقت وجود دارد یا نفرت از حقیقت. هیچ راه میانه‌ای نیست. گمراهی شدیدی که بر باکره‌های نادان، متی باب بیست‌وپنج می‌آید، بر رد نور جواهرات میلر که نمایانگر آزمون نهایی‌اند، استوار است. آزمون نهایی اسرائیل باستان دهمین آزمونشان بود، و جواهرات میلر در ایام آخر ده برابر درخشان‌تر می‌تابند. نماد رد جواهرات میلر «دائمی» است؛ همان چیزی که میگساران افرایم در نسل سوم ادونتیسیم وارونه کردند. «دائمی» نمادی شیطنانی از بت‌پرستی است. آن میگساران جواهری بدلی را وارد کردند که آن را از پروتستانتیسم مرتد آورده بودند؛ جواهری که «دائمی» را به‌عنوان نمادی از مسیح معرفی می‌کند.

درک میلر از جواهراتش به واسطه تاریخی که در آن پرورش یافته بود محدود بود. با این باور که بازگشت دوم رویداد نبوی بعدی بود، زخم مرگبار وارد بر دستگاہ پاپی در سال ۱۷۹۸ فقط می‌توانست نمایانگر چهارمین و آخرین پادشاهی زمینی فصل دوم دانیال باشد. میلر همچنین در فهم «روزانه» محدود بود، زیرا به گفته خودش از طریق مکاشفه به روشی مشخص برای مطالعه هدایت شد که در آن اظهار داشت از کتاب مقدس خود و کنکورانس کردن استفاده می‌کرد و چند روزنامه می‌خواند. تصمیم او برای مطالعه به آن شیوه به‌سادگی به ذهنش خطور کرده بود.

در طول دوازده سالی که دئیست بودم، هر کتاب تاریخی‌ای را که می‌توانستم پیدا کنم می‌خواندم؛ اما اکنون کتاب مقدس را دوست داشتم؛ از عیسی تعلیم می‌داد! اما هنوز بخش‌های زیادی از کتاب مقدس برایم تاریک بود. در سال ۱۸۱۸ یا ۱۹، هنگامی که با دوستی که به دیدارش رفته بودم گفت‌وگو می‌کردم—دوستی که مرا در دوران دئیست بودنم می‌شناخت و سخنانم را شنیده بود—او با لحنی کم‌ویش معنادار پرسید: «درباره این آیه و آن آیه چه فکر می‌کنی؟» اشاره‌اش به همان آیاتی بود که در دوران دئیسم به آنها اشکال می‌گرفتم. فهمیدم منظورش

چیست و پاسخ دادم: اگر به من فرصت بدهی، به تو می‌گویم معنایشان چیست. گفت: «چقدر وقت می‌خواهی؟» پاسخ دادم: نمی‌دانم، اما به تو خواهم گفت؛ زیرا نمی‌توانستم باور کنم خدا وحیی داده باشد که نتوان آن را فهمید. سپس تصمیم گرفتم کتاب مقدس را مطالعه کنم، با این باور که می‌توانم دریابم روح‌القدس چه مقصودی داشته است. اما همین که این تصمیم را گرفتم، فکری به ذهنم آمد: «فرض کن به فرازی برخورداری که نتوانی آن را بفهمی؛ چه خواهی کرد؟» آن‌گاه این شیوه مطالعه کتاب مقدس به فکر رسید: واژه‌های چنین فرازهایی را برمی‌دارم و آنها را در سراسر کتاب مقدس پی می‌گیرم و از این راه معنایشان را درمی‌یابم. کنکوردانس کردن را داشتیم که به گمانم بهترین جهان است؛ پس آن را و کتاب مقدس را برداشتم و پشت میز نشستم و جز اندکی روزنامه چیزی نخواندم، زیرا مصمم بودم بدانم کتاب مقدس چه معنایی دارد. آپولوس هیل، راهنمای ظهور دوم، ص ۶۵.

گوهرهای میلر صرفاً از طریق روش مطالعه او شناخته نشدند، بلکه از طریق وحی مستقیم از جانب خدا نیز شناخته شدند.

«خدا فرشته خود را فرستاد تا بر دل کشاورزی که به کتاب مقدس ایمان نداشت اثر بگذارد، تا او را برانگیزد که نبوت‌ها را جست‌وجو کند. فرشتگان خدا بارها و بارها به دیدار آن برگزیده آمدند تا ذهن او را هدایت کنند و نبوت‌هایی را که همواره برای قوم خدا تاریک بود بر فهم او بگشایند. آغاز زنجیره حقیقت به او داده شد، و او رهنمون شد تا حلقه به حلقه در پی آن بگردد، تا آن‌که با شگفتی و تحسین به کلام خدا نگریست. او در آنجا زنجیره‌ای کامل از حقیقت دید. همان کلامی که آن را بی‌الهام می‌پنداشت، اکنون در جمال و جلالش در برابر دیدگانش گشوده شد. دید که بخشی از کتاب مقدس بخش دیگر را توضیح می‌دهد، و هرگاه عبارتی بر فهمش بسته بود، در بخش دیگری از کلام آنچه آن را توضیح می‌داد می‌یافت. او به کلام مقدس خدا با شادی و با عمیق‌ترین احترام و هیبت می‌نگریست.» نوشته‌های نخستین، ۲۳۰.

وقتی خواهر وایت می‌گوید که «خدا فرشته‌اش را فرستاد» نزد میلر، این نشان می‌دهد که جبرئیل همان فرشته‌ای بود که نزد میلر فرستاده شد، زیرا «فرشته‌اش» اصطلاحی است که به جبرئیل اطلاق می‌شود.

سخنان فرشته، «من جبرائیلیم که در حضور خدا می‌ایستم»، نشان می‌دهد که او در دربارهای آسمانی از شأن و مقامی بس والا برخوردار است. وقتی با پیغامی نزد دانیال آمد، گفت: «در این امور هیچ‌کس مرا یاری نمی‌کند جز میکائیل [مسیح]، سردار شما.» دانیال ۱۰:۲۱. درباره جبرائیل، نجات‌دهنده در مکاشفه سخن می‌گوید و می‌فرماید که «آن را به واسطه فرشته خود نزد بنده‌اش یوحنا فرستاد و آن را اعلام نمود.» مکاشفه ۱:۱. اشتیاق اعصار، ۹۹.

جبرئیل و دیگر فرشتگان فرستاده شدند تا ذهن میلر را هدایت کنند و پیشگویی‌هایی را که همواره برای قوم خدا مبهم بوده‌اند برای او روشن سازند. پیام او تنها از طریق روش مطالعه‌اش شکل نگرفت، بلکه همچنین از راه وحی الهی بود. همان روشی که او برای مطالعه کتاب مقدس به کار می‌برد به ذهنش آمده بود. وقتی خدا حقیقت را به ذهن ما می‌آورد، این وحی الهی است، در مقابل رسیدن به حقیقت از طریق فرایند تفسیر درست کتاب مقدس. میلر هر دو را انجام داد، اما وحی الهی ناگزیر بخشی از چگونگی فهم او از موضوع «روزانه» بود.

میلر نوسان جنس دستوری باب هشتم کتاب دانیال، آیات ۹ تا ۱۲ را تشخیص نمی‌داد، زیرا تنها چیزی که در اختیار داشت کتاب مقدس و یک فرهنگ واژگان بود که فاقد هرگونه اطلاعات درباره زبان‌های کتاب مقدس بود. او تفاوت میان «sur» و «rum» را که هر دو به «برداشتن» ترجمه شده‌اند، نمی‌دید. او تفاوت میان «miqdash» و «qodesh» را نیز که هر دو به «حرم» ترجمه شده‌اند، نمی‌دید.

او حقیقتِ واژهٔ «tamid» را، که صد و چهار بار در کتاب مقدس آمده است، نمی‌دید. حقیقتی که او نمی‌توانست ببیند (و همان حقیقتی که دید) این بود که از میان آن صد و چهار باری که واژهٔ عبری «tamid» در کتاب مقدس به کار رفته، فقط در کتاب دانیال این واژه به صورت اسم به کار رفته است. «tamid» واژه‌ای عبری به معنای «پیوسته» است و در کتاب دانیال به «روزانه» ترجمه شده است.

فقط در کتاب دانیال این واژه به صورت اسم به کار رفته است، و در نود و نه مورد دیگر به صورت قید به کار رفته است. از این رو، هنگامی که مترجمان کتاب مقدس کینگ جیمز با این واقعیت روبه‌رو شدند که دانیال این واژه را پنج بار به صورت اسم به کار برده است، در حالی که همه نویسندگان دیگر کتاب مقدس آن را نود و نه بار به صورت قید به کار برده‌اند، به سبب وزن شواهد ناگزیر شدند کاربرد این واژه به صورت اسم در دانیال را اصلاح کنند. برای اصلاح دانیال، واژه «قربانی» را به متن افزودند و بدین‌سان یک اسم را به قید تبدیل کردند. و سپس برای اصلاح مترجمان، الن وایت الهام یافت تا ثبت کند که او «در ارتباط با «روزانه» دید که واژه «قربانی» به وسیله حکمت انسان افزوده شده و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی داد که ندای ساعت داوری را سر دادند.»

میلر، به گفتهٔ خودش، در پی فهم "daily" "daily" بود که سرانجام آن را در دوم تسالونیکیان دریافت. اما باز هم بنا بر شهادت خودش، وقتی می‌خواست معنای واژه‌ای را دریابد، همه موارد کاربرد آن واژه را بررسی می‌کرد، و آن واژه نود و نه بار دیگر در کتاب مقدس به کار رفته است. با این حال، شهادت او دربارهٔ "daily" "daily" این است که آن را جز در کتاب دانیال در جای دیگری نیافت؛ آن‌گاه که گفت: «به خواندن ادامه دادم و مورد دیگری نیافتم که در آن [daily] [daily] یافت شده باشد، جز در دانیال.» میلر تنها به واسطهٔ روش مطالعه خود به جواهرات رهنمون نشد، بلکه همچنین از طریق مکاشفه الهی که از راه خدمت فرشتگان به او عطا شد.

به همین دلیل، فهم او از «daily» «daily» درست بود، اما محدود. او متوجه نشد که از پنج باری که در کتاب دانیال به «daily» «daily» اشاره شده، در سه بار آمده است که «daily» «daily» برداشته می‌شود، و یکی از آن سه بار معنایی متفاوت از دو بار دیگر دارد. یک بار «daily» «daily» با واژهٔ عبری «rum» به کار رفته و دو بار دیگر با واژهٔ عبری «sur». هر دو واژه به صورت «away» «away» ترجمه شده‌اند، اما «rum» در کتاب دانیال، باب هشتم، آیه یازدهم به معنای «برکشیدن و سرافراشتن» است، و در باب یازدهم، آیه سی‌ویکم، و باب دوازدهم، آیه یازدهم، واژه «sur» به معنای «از میان برداشتن» است.

الهی‌دانانی که خوراک و نوشیدنی‌شان بایلی است، استدلال می‌کنند که چه چیزی را از میان برداری و چه هرگاه چیزی را بلند کنی، هر دو نمایانگر نوعی از برداشتن‌اند؛ بنابراین باید هر دو واژه را هم‌معنا دانست. آن‌ها می‌گویند که در سه باری که «روزانه» «برداشته می‌شود»، همیشه معنایش «از میان برداشتن» است، و با این کار دانیال را در گزینش واژه‌هایش بی‌دقت می‌شمارند. این را آشکارا نمی‌گویند، اما به‌طور ضمنی تعلیم می‌دهند که دانیال می‌بایست در هر سه مورد از واژه «sur» استفاده می‌کرد، زیرا بنابر نظر آن الهی‌دانان او ظاهراً هر بار که «روزانه» «برداشته شد» همان معنا را در نظر داشته است.

آن‌ها همین کار را با واژه‌های «miqdash» و «qodesh» نیز می‌کنند که هر دو در آیات یازده تا چهارده باب هشت به «مقدس‌گاه» ترجمه شده‌اند. در هر مورد کاربرد «مقدس‌گاه» در آن چهار آیه، اصرار دارند که همه‌شان به مقدس‌گاه خدا دلالت دارند. باز هم بر اساس استنتاج، دانیال می‌بایست در هر سه مورد صرفاً از «qodesh» استفاده می‌کرد و در آیه یازدهم از «miqdash» استفاده نمی‌کرد. میلر تفاوت میان آن واژه‌ها را تشخیص نمی‌داد، اما الهی‌دانان معاصر تشخیص می‌دهند، و وقتی هم که چنین می‌کنند، اصرار دارند که هیچ تمایزی نباید به رسمیت شناخته شود. با این حال، میلر که تمایزات

میان آن واژه‌ها را تشخیص نمی‌داد، به برداشتی برخلاف فهم الهی‌دانان معاصر رسید.

واقعیت این است که دانیال نویسنده‌ای به‌غایت دقیق بود که به زبان عبری آگاهی داشت و او را ده برابر از همه دیگر حکیمان بابل — که خودشان نیز به‌حق مردانی بسیار هوشمند در جامعه خود بودند — هوشمندتر دانسته بودند. اگر کسی کاربرد درست زبان عبری و این‌که در آن تاریخ خاص چگونه باید به‌درستی بازنمایی شود را می‌دانست، او دانیال بود. اگر دانیال از واژه‌های متفاوتی استفاده کرده است، به این دلیل بوده که قرار بوده معانی متفاوتی را برساند؛ معانی‌ای که او عامدانه در پی بازنمایی‌شان بود. هنگامی که به‌کارگیری متمایز دانیال از واژه‌هایی که به «sanctuary» یا به «away» ترجمه می‌شوند مورد اذعان قرار گیرد، آن‌ها برداشت می‌لر از «daily» را تأیید می‌کنند؛ برداشتی که خود می‌لر آن را در همان قطعه‌ای بازشناخت که در آن پولس تصریح می‌کند کسانی که از حقیقت نفرت دارند، مقدر است دچار گمراهی شدید شوند.

آنان که از حقیقت نفرت دارند و دروغی را که سبب گمراهی شدید می‌شود باور می‌کنند، همچنین به‌صورت می‌گساران افرایم تصویر شده‌اند که در دو گروه نمایانده می‌شوند. یک گروه رهبران عالماند و گروه دیگر عوام ناآموخته که فقط آنچه را عالمان به آنان تعلیم می‌دهند می‌شنوند. آنان کسانی‌اند که زیر دروغ‌ها پنهان می‌شوند و با مرگ عهد می‌بندند. همان کسانی‌اند که در حقوق باب دو، نفس‌شان متکبر است، و همان دوشیزگان نادان متی باب بیست‌و‌پنج‌اند. آنان همان کسانی هستند که حقایق بنیادین خواب می‌لر را رد می‌کنند؛ حقایقی که در پایان ده برابر فروزان‌تر می‌شوند (که نمایانگر دهمین و آخرین آزمون برای اسرائیل معاصر است)، چنان‌که دهمین و آخرین آزمون برای اسرائیل باستان نمونه‌اش بود.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

و خداوند به موسی گفت: تا به کی این قوم مرا خشمگین خواهند ساخت؟ و تا چه وقت، با وجود همه آياتی که در میان ایشان نشان داده‌ام، به من ایمان نخواهند آورد؟ من ایشان را به وبا خواهم زد و از میراث محرومشان خواهم کرد، و از تو قومی بزرگ‌تر و نیرومندتر از ایشان خواهم ساخت. و موسی به خداوند گفت: آنگاه مصریان این را خواهند شنید (زیرا تو این قوم را به قوت خود از میان آنان بیرون آوردی) و آن را به ساکنان این سرزمین بازخواهند گفت؛ زیرا شنیده‌اند که تو، ای خداوند، در میان این قوم هستی، و اینکه تو، ای خداوند، رو در رو دیده شده‌ای، و اینکه ابر تو بر فراز آنان ایستاده است، و تو در روز در ستونی از ابر و در شب در ستونی از آتش پیشاپیش آنان می‌روی. اکنون اگر همه این قوم را یکجا چون یک نفر بکشی، آنگاه قوم‌هایی که آوازه تو را شنیده‌اند خواهند گفت: «زیرا خداوند قادر نبود این قوم را به زمینی که برایشان سوگند خورده بود بیاورد، از این‌رو ایشان را در بیابان کشت.» و اکنون، استدعا می‌کنم، قدرت خداوند عظیم باشد، چنان‌که خود گفته‌ای که: «خداوند دیرخشم و سرشار از رحمت است، گناه و عصیان را می‌بخشد، اما به هیچ‌وجه گناهکار را تیرئه نمی‌کند، و گناه پدران را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم می‌رساند.» اکنون، تمنا دارم، به اقتضای عظمت رحمتت، گناه این قوم را ببخشی، همان‌گونه که از مصر تا به اکنون این قوم را آمرزیده‌ای. و خداوند گفت: بر حسب گفته تو آمرزیدم؛ اما به حیات خود سوگند، تمامی زمین از جلال خداوند پر خواهد شد؛ زیرا همه آن مردانی که جلال من و معجزاتی را که در مصر و در بیابان به جا آوردم دیده‌اند و اینک ده بار مرا آزموده و به آواز من گوش نسپرده‌اند، هرآینه آن سرزمینی را که برای پدرانیشان سوگند خوردم نخواهند دید؛ و هیچ‌یک از آنان که مرا خشمگین ساختند آن را نخواهند دید. اما بندهام کالیب، چون روحی دیگر در اوست و یکسره از من پیروی کرده است، او را به همان سرزمینی که بدان رفت خواهم آورد، و نسل او آن را تصرف خواهد کرد. اعداد ۱۴:۱-۲۴.